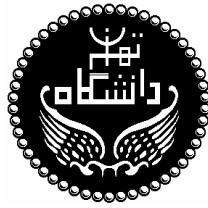


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده الهیات

موضوع:

## جهانی شدن در آیات و روایات

نگارش:

رضا عرب تبریزی

استاد راهنما:

دکتر داود سلیمانی

استاد مشاور:

دکتر تقی آزاد ارمکی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث

شهریور ماه ۱۳۸۶

## فهرست مطالب

### کلیات

۱- طرح مسأله .....	۱
۲- هدف و فرضیه تحقیق .....	۲
۳- سؤال تحقیق .....	۳
۴- پیشینه تحقیق .....	۴
پیش‌گفتار .....	۵
تاریخچه جهانی شدن .....	۱۱
فصل اول: جهانی شدن .....	۱۷
۱- مفهوم جهانی شدن .....	۱۸
۲- واژه جهانی شدن .....	۲۴
۳- مشخصات و خصوصیات، ماهیت و مصادیق جهانی شدن .....	۲۷
۱-۳- مشخصات و خصوصیات جهانی شدن .....	۲۷
۲-۳- ماهیت جهانی شدن .....	۲۸
۱-۲-۳- بررسی دیدگاه دانشمندان در مورد جهانی شدن .....	۲۹
۱-۲-۳-۱- نسل اول .....	۲۹
۱-۲-۳-۲- نسل دوم .....	۳۱
۱-۲-۳-۳- نسل سوم .....	۳۳
۱-۲-۳-۲- آثار مثبت و منفی جهانی شدن .....	۳۸
۱-۲-۳-۱- آثار منفی جهانی شدن .....	۴۰
۱-۲-۳-۲- آثار مثبت جهانی شدن .....	۴۱
۱-۲-۳-۳- موافقان و مخالفان جهانی شدن .....	۴۲
۱-۲-۳-۱- دیدگاه موافقان .....	۴۲

۴۳	۲-۳-۲ دیدگاه مخالفان
۴۴	۳-۳ مصادیق جهانی شدن
۴۵	۴- انواع جهانی شدن
۴۵	۴-۱ جهانی شدن اقتصاد
۴۷	۴-۲ جهانی شدن سیاسی
۵۰	۴-۳ جهانی شدن فرهنگی
۵۴	فصل دوم: قرآن و جهانی شدن
۵۵	۱- اصل تشریع دین از جانب خداوند
۶۴	۲- چرا اسلام یک دین جهانی است
۶۸	۳- جهانی بودن دین اسلام
۷۶	۴- جهانی شدن از دیدگاه قرآن
۸۶	۵- دین اسلام، خاتم ادیان
۹۸	فصل سوم: بررسی مفهوم عدالت و مهدویت
۹۹	۱- مقدمه
۱۰۲	۲- عدالت چیست؟
۱۰۴	۳- جایگاه عدالت در نظام جهانی کنونی و نظام جهانی اسلامی
۱۰۶	الف) جهانی شدن غیر ایدئولوژیک
۱۰۶	ب) جهانی شدن ایدئولوژیک (تحت سلطه)
۱۰۶	ج) جهانی شدن غیرشناختی (ضعیف)
۱۰۷	د) جهانی شدن شناختی (قدرتمند)
۱۱۴	۴- آینده جهانی در قرآن
۱۲۰	۵- جهانی شدن و عصر ظهور

۱-۵	جهانی شدن سستی	۱۲۰
۲-۵	جهانی شدن مدرن	۱۲۱
۳-۵	جهانی شدن همزمان	۱۲۲
۴-۵	جهانی شدن پیشرو	۱۲۲
۶-	یک جهانی شدن فراگیر در میران جهانی شدن های بسیار	۱۲۵
۷-	جهانی شدن معکوس و ظهور اسلام جدید	۱۲۶
۸-	پایان تاریخ، پایان دولت گرایی - حکومت جهانی	۱۲۸
۹-	پایان ناامیدی و ناکامی و ظهور وحدت	۱۲۹
	نتیجه گیری	۱۳۰
	فصل چهارم: نتیجه گیری	۱۳۳
	منابع و مآخذ	۱۳۶

تقديم به منجى عالم بشریت  
قطب عالم امکان  
حضرت صاحب الامر و الزمان (عج)

## ۱- طرح مسأله

واژه جهانی شدن امروزه از جمله لغات مورد استفاده مردم جهان در سطوح مختلف از عوام تا خواص می‌باشد. سطح کاربرد این لغت در میان مردم جهان به اندازه‌ای وسیع شده که شاید حتی بتوان این واژه را مشترک لفظی نامید، یا آن را لفظی منقول اعتبار کرد. کثرت و روند رو به رشد واژه جهانی شدن، به قول کلنر آن مفهوم را به صورت «سرمایه فرهنگی» گروه‌های مختلف اجتماعی بالاخص دانشگاهیان در آورده است. با وجود گسترش نجومی این مفهوم در میان اقشار مختلف مردم، باز هم نمی‌توان از این واژه استفاده کرد مگر آنکه قبل از هر چیز معنای مورد نظر از آن مورد تعریف و توافق قرار بگیرد که آن هم کاری بس دشوار است.

در این میان، ما از شهر فرنگ جهانی شدن، مقوله فرهنگ آن را جدا کرده و از بین موضوعات مختلف فرهنگی، دین را به عنوان یکی از حساس‌ترین و منشأ اثر ترین موارد برگزیدیم. این در حالی بود که نگارنده در اثناء فحص و پژوهش، از اقتصاد و سیاست جهانی نیز بعد فرهنگی آن را می‌دید و متوجه می‌شد که مستقل‌ترین وجه جهانی شدن مبحث فرهنگی آن است که از ابتدا بوده و همچنان ادامه دارد، هر چند محققین تا سالیان طولانی به آن توجه نداشته‌اند.

دین نیز به عنوان فرایندی که از ابتدای تاریخ، همیشه در زندگی نوع بشر منشأ اثر بوده ذهن محقق را به خود مشغول ساخت که آیا در این عصر نیز با وجود این همه پیشرفت در صنعت و تکنولوژی و ارتباطات و استخدام طبیعت به هر نحو و در هر جهت، دین دوباره می‌تواند اثر گذار باشد؟

آیا دین می‌تواند سیر جهانی شدن را عوض کند و خودش در مسیر آن قرار بگیرد و جهانی شود؟ آیا قرآن برای دنیای جهانی شده حرفی دارد؟

این دل مشغولی باعث شد که ما را به ورطه عمل بکشاند تا برای ابهام‌های خود جوابی بیابیم. لذا قرآن را که کتاب برگزیده دین اسلام است به عنوان مهم‌ترین منبع تحقیق انتخاب کرده و از روایات معصومان نیز یاری جستیم. اما هر چه بیشتر در این اقیانوس

عظیم دست و پا می‌زدیم، در اعماق آن بیشتر گم می‌شدیم و به هر جوابی که دست می‌یافتیم، همان جواب، دریایی از سوالات جدید را برای ما ایجاد می‌کرد. به همین جهت این تحقیق فقط در حد بضاعت به این مبحث پرداخته و اگر دچار پراکنده گویی شده بخاطر پهنه گسترده بحث بوده و دلیلی جز عدم تسلط محقق بر زوایای مختلف آن ندارد. امید که با راهنمایی‌های اساتید گرانقدر و مشفق و دوستان عزیز موارد نقص آن بر طرف شود و این کار به عنوان مقدمه برای کارهای بالاتر قرار گیرد.

## ۲- فرضیه و هدف تحقیق

همانطور که در گذشته بیان گردید، این رساله در نظر دارد تا به بررسی نظرات و ایده‌های آیات قرآن و روایات در موارد فرایند جهانی شدن بپردازد. یک انسان متشرع ادعا دارد که دین به تمام جنبه‌های زندگی انسان می‌پردازد و به تمام نیازهای او پاسخ می‌گوید و آنها را بر طرف می‌سازد و این ادعای خود را عقلانی می‌داند. فرایند جهانی شدن نیز به عنوان پدیده‌ای نوظهور، امروزه ابعاد وسیعی از زندگی بشر را تحت سیطره خود آورده است. نفوذ بیش از حد آن در زندگی بنی بشر باعث بروز مشکلات عدیده و نویی شده و از سویی نیازهای جدیدی را فرا سوی او قرار داده است. در این مقاله هدف آن است تا اثبات گردد که مشکلات جهانی شدن ناشی از خود انسان و عدم گرایش او به فطرت الهی‌اش می‌باشد با این فرضیه که دین اسلام به ادعای آیات قرآن قابلیت جهانگیر شدن را دارد و می‌تواند تمام مشکلات انسان را بر طرف و نیازهای او را برآورده سازد و این روند روبه گسترش در سطح جهان- هر چند در آن به دین ستیزی بپردازند - به ضرر اسلام نخواهد بود، ضمن آنکه در جهت اهداف آن نیز پیش خواهد رفت و در نهایت منجر به ظهور منجی عالم بشریت خواهد شد.

به امید روزی که با ظهورش زمین از لوث وجود ستمگران و کافران پاک گردد. ان شاء الله



### ۳- سؤال تحقیق

جهانی شدن یا جهانی سازی از مهمترین چالش‌هایی است که ذهن بسیاری از پژوهشگران عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ و ..... را به خود مشغول ساخته است. چند بعدی بودن این پدیده بر پیچیدگی آن افزوده و همچنین ارائه یک تعریف روشن و اجماعی از آن را دشوار ساخته است . و پرسش‌های زیادی را در باره ماهیت و مبانی نظری و علل و چگونگی برخورد با آن را پدید آورده است. دولت‌ها، احزاب، سیاست‌مداران و اقتصاددانان را دچار سرگشتگی در سیاست‌گذاری‌ها و ادیان و بویژه جهان اسلام را با مشکلات و چالش‌های جدی روبرو کرده است. از این رو پرسش‌هایی را مطرح کرده است.

آیا جهانی شدن یک پدیده طبیعی است که در اثر پیشرفت علمی و تکنولوژی بوجود آمده یا پدیده‌ای طراحی شده بوسیله سرمایه‌داری و سرمایه‌داران است؟ آیا همه کشورها ناگزیرند به این جریان بپیوندند یا راهی برای گریز وجود دارد؟ آیا جهانی شدن ماهیتی ایدئولوژیک دارد یا عاری از آن است؟ آیا جهانی شدن یا جهانی سازی با آموزه‌های اسلام سازگار است یا ناسازگار؟ جواب مثبت و یا منفی به هر پرسش، پرسش دیگری را می‌آفریند و پاسخ‌گویی به همه آنها دستگاه نظام‌مندی از بینش‌ها و ارزش‌ها و اطلاعات وسیعی از آنچه در جریان است را می‌طلبد.

در بحث حاضر منظور ما از جهانی شدن، شاخه فرهنگ آن است. و در مجموع هدف از بررسی جهانی شدن در این تحقیق بازنگری به بحث فرهنگ و دین در پروژه جهانی شدن است که دین بطور کلی و اسلام بطور اخص چه جایگاهی در این نظام دارد و نظر اسلام (آیات و روایات) در مورد جهانی شدن چیست؟ آیا اسلام جهانی شدن را می‌پذیرد؟ آیا نظر و دیدگاه خاصی در این زمینه ارائه می‌دهد؟ اگر این جهانی شدن را می‌پذیرد، آیا پیشنهادی در راه بهتر شدن آن دارد، و اگر نمی‌پذیرد آیا نگاه دیگری نسبت به جهان ارائه می‌دهد یا خیر؟

در این اندک، سعی بر آن بوده که تحقیق نسبتاً جامعی، البته در حد توان نویسنده، حول مؤلفات در زمینه جهانی شدن شود و نظریات مختلف دانشمندان در این زمینه بررسی

شود و بهترین آنها انتخاب گردد. اما از آنجا که توجه به منبخت فرهنگ و دین در جهانی شدن بسیار اندک بوده و به دین همیشه به عنوان یک مزاحم برای بسط جهانی شدن - البته از دید غربی که شاید بهتر باشد بجای جهانی شدن بگوئیم غربی شدن یا امریکایی شدن - نگاه می‌شده، منابع در این زمینه بسیار اندک بوده و اکثر اندیشمندان علوم اجتماعی و جامعه شناسی به دو شاخه دیگر جهانی شدن یعنی اقتصاد و سیاست بین‌الملل بیشتر پرداخته‌اند. ضمن آنکه آنچه در زمینه جهانی شدن و فرهنگ نوشته شده و مورد بررسی دانشمندان قرار گرفته، همانطور که بیر نیز به آن اشاره دارد (کچوئیان، ۱۳۸۵، ۱۲۶) اکثریت اهمیت دین را در تحولات کنونی جهان «جزئی» و بی اهمیت تلقی می‌کنند یا اینکه آن را تحت عنوان کلی فرهنگ مورد بررسی قرار می‌دهند. البته بیر می‌گوید که در بسیاری از مطالعات تجربی برعکس مطالعات نظری، اهمیت دین در تحولات جهانی مورد قبول قرار گرفته است، اما معتقد است که رویکرد نظری این مطالعات مانع از درک درست آنها در این زمینه است و در آنچه در این موارد انجام شده اهمیت جهانی یا فراملی دین به ندرت مورد توجه قرار می‌گیرد. (بیر، نظریه‌های جهانی شدن و دین)

#### ۴- پیشینه تحقیق

هنگامی که برای اولین بار - بطور خاص - باواژه جهانی شدن روبرو گشتم، از لحاظ علمی چیز زیادی راجع به آن نمی‌دانستم و از آن که دوکس راجع به چیزی هیچ نمی‌پرسند؛ یکی از آنکه همه چیز را راجع به آن مطلب می‌داند و دیگر آنکه هیچ نمی‌داند، من نیز این مسئله ذهنم را مشغول نکرده بود و سوالی برایم ایجاد نمی‌کرد. اما از ابتدایی که جرقه آن در وجودم زده شد، در داده و معلوماتم مشغول محض و کند و کاو شدم تا از طریق معلومات پی به مجهولات و سوالات ایجاد شده ببرم. در این وقت بود که متوجه شدم کار بسیار وسیع و عظیم است و از توانایی و وقت محدود من خارج است. لکن بزرگی کار به جای آنکه مرا از میدان به در کند، باعث علاقه روز افزون من به این بحث گردید.

با گذشت زمان وصحبت ومشورت باساتيد محترم در دانشگاه‌های مختلف وپيشنهادهای آنان، کار برایم مبهم‌تر می‌گشت واگر کسی با نگاهی منفی با من صحبت می‌کرد، کاملاً درهای امید به روی هدفم بسته می‌شد. هنگام مراجعه به کتب ومقالات در این زمینه، با انبوهی از اطلاعات ومنابع روبرو شدم که باید آنچه مورد نظر بود را از میان آن همه استخراج می‌کردم.

مطلبی که بیش از همه برایم جلب توجه می‌کرد این بود که باوجود این همه کتاب ومقاله وکنفرانس در مورد جهانی شدن، کمتر دانشجویی به این مسئله پرداخته و گویی پدیده‌ای به این بزرگی اصلاً ذهن دانشجویان را به خود جلب نکرده است. به عنوان مثال در میان تمام پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد ودکترای دانشگاه تهران، تنها سه پایان‌نامه در مورد جهانی شدن وجود داشت که هر کدام با نگاهی خاص- هویت دینی، اخلاق، فرهنگ- این فرایند را بررسی کرده بودند، وهیچ کس بطور خاص وارد آیات قرآن وروایات اهل بیت نشده بود و به اسلام به عنوان یک دین جهانی نگریسته بود. هنگامی که به بررسی کتب ومقالات پرداختم متوجه شدم که کمتر کتاب ومقاله‌ای خواهم یافت که در اثبات فرضیه من کارآیی داشته باشد- خصوصاً فصل دوم- هر چند که در زمینه جهانی شدن وتعریف تحدید آن بسیار قلم فرسایی شده است. به همین جهت در مواجهه با انبوه کتب در زمینه جهانی شدن، با هدایت‌های آقای دکتر آزاد ارمکی سه کتاب را به عنوان مرجع اصلی انتخاب کردم، ضمن آنکه از رجوع ومطالعه به کتابهای دیگر نیز باز نماندم واز این طریق بود که کم‌کم با اساس سخن جهانی شدن آشنا گشتم. برای نگارش فصل دوم، راهنمایی‌های آقای دکتر سلیمانی، تماماً مرا به هدف نزدیک‌تر می‌نمود و ابهام‌های موجود را از پیش رویم بر می‌داشت.

در بررسی کتب ومقالات هر چند که از کتاب‌ها ومقالات مختلف در انجام کار خود یاری جستیم به این نتیجه رسیدیم که تمام آنها هدف اصلی (قرآن) را گم کرده وبه هدف‌های جزئی و خردپرداخته‌اند. هنگامی که وارد قرآن شدم، دیدم که گویی قرآن خودهدف از خلقت را جهانی شدن می‌داند واین نوید را به جهانیان می‌دهد که در عاقبت

امر همه زیر یک پرچم و لوا معشیت خواهند کرد از برکت قرآن و کمک‌های الهی یک به یک آیات پیش رویم قرار داده می‌شد تادر نهایت دست یاری خداوند مرا به سر منزل مقصود رساند.

در نهایت از تمامی کسانی که مرادر انجام دین مهم یاری رسانند کمال تشکر و قدردانی را دارم. از جناب آقای دکتر سلیمانی به عنوان استاد راهنما و آقای دکتر آزاد به عنوان استاد مشاور، که آن در بزرگوار با راهنمایی‌های بجا و کمک‌های بی‌دریغشان بسیار در پیشرفت امر موثر بودند. از همسر فداکارم که با صبر و تحمل خود و ایجاد محیطی آرام و مناسب و کمک‌های خالصانه خود همواره امیدبخش من در ادامه این مسیر بود و همچنین خانم سروش‌فر که ساعت‌ها وقت خود را در اختیار این حقیر گذاشتند.

با این همه آنچه در نهایت انجام شده و در این مجموعه گرد آمده است، الی از ایراد و اشکال نیست و مسئولیت کلیه اشکالات به عهده من است. از همه دوستان و استادان تقاضا دارم مرا از نعمت انتقادات و راهنمایی‌های خود محروم نسازند.

## پیشگفتار

محتوای برخی از آثار مربوط به جهانی شدن دلالت بر این دارد که کل فرایند جهانی شدن نوعی «تهاجم فرهنگی» و لزوم مقابله با آن مورد تأکید قرار می‌گیرد. در آثار دیگری از این دست آشکارا ادعا می‌شود که پدیده مورد نظر محصول طرح و حتی توطئه‌ای هدفدار است و به همین دلیل باید از «جهانی کردن» سخن گفت نه از «جهانی شدن» انگیزه و هدف این طرح جهانی، مسلط کردن فرهنگ غرب بر جهان از طریق ادغام، تضعیف و ویران کردن فرهنگ‌های دیگر است. برخی از نویسندگان حتی گام فراتر نهاده «جهانی شدن» را با «امریکایی ساختن فرهنگ جهان» یکسان گرفته‌اند. از چنین دیدگاهی جهانی «شدن» یا «کردن» پیامد فرایند، طرح یا توطئه‌ای دانسته می‌شود که هدف و نتیجه آن گسترش هر چه بیشتر شیوه زندگی غربی و حتی امریکایی است. (گل محمدی، ۱۳۸۱، ۱۳ و ۱۴).

گاهی به جهانی شدن در راستای تجدد نگریسته می‌شود. در این دید هنگامی که از آینده نگری و آینده سازی سخن گفته می‌شود، به نوعی ربط داده می‌شود به مشکلات بر جای مانده از مرحله تجدد و جهانی شدن مولود تجدد خوانده می‌شود. البته کم‌کم نظریه جهانی شدن آنقدر قوت پیدا می‌کند که نظریه مابعد تجدد را کاملاً به حاشیه رانده و تا حدی آن را در خود جذب می‌کند و جای آن را می‌گیرد.

دسته دوم آثاری هستند که به جهانی شدن مانند گروه اول با دید منفی نگاه نمی‌کنند. مثلاً افرادی مانند رابرتسون، هلد، مک‌گرو، گلدبات، پراتون و واترز اعتقاد دارند که جهانی شدن دارای سابقه تاریخی طولانی است و تاریخ آن را حداقل به زمان ادیان جهانی عمده (ابراهیمی) و شکل‌گیری نظام‌های فلسفی می‌رساند. به این معنا از زمانیکه انسانها در قالب تمدن‌ها، امپراطوری‌ها و یا هست‌های جمعی مشابه درگیر تعامل با یکدیگر شده‌اند، با جهانی شدن روبرو بوده‌ایم. درگیری در چنین روابطی انسان را در چرخه طولانی جهانی شدن انداخته است. چنین روابطی دو دسته از مسایل را پیش روی اجتماعات بشری قرار می‌داده است. در صورت کلی با قرار گرفتن اجتماعات انسانی در مدار تعاملات با یکدیگر

برای آنها مسئله چگونگی پاسخ‌گویی به شرایط محیطی یعنی حضور دیگری مطرح می‌شده است. این شرایط ۲ دسته مشکل یا مسئله ایجاد می‌کند. در حالیکه مسئله اصلی برای اجتماعات این است که چگونه با دیگری تعامل کنند، وجهی از این سؤال به درون و وجه دیگر به بیرون آنها برمی‌گردد. از وجه درونی مسئله این است که چگونه با نظر به تهدیداتی که دیگری متوجه اجتماع خود می‌سازد، هویت درونی گروه یا فرهنگ خاص آنها حفظ شود. اما وجه دوم مسئله این است که چه چیزهایی می‌توان از آنها یاد گرفت و جذب کرد. (کچوئیان، ۱۳۸۵، ۱۰۰)

اگر با دیدگاه اول به فرایند جهانی شدن نگاه کنیم، نقش دین را بسیار کم‌رنگ می‌بینیم به طوری که به دین به صورت کاملاً سطحی و گذرا و بسط نیافته و آن هم از باب ضرورت پرداخته شده. ضمن آنکه در این موارد هر گونه حضور و مداخله دین یا دیدگاه‌های جریانهای دین به عنوان امری منفی و نامطلوب ارزیابی می‌گردد. زیرا دین از مقوله سنت، تابع ارزشهای خاص‌گرایانه و در مخالفت با ارزشهای دنیا‌گرایانه و بویژه آزادی نفس دیده می‌شود. رابرتسون عدم توجه به فرهنگ را نقص و خلأ ناشی از تجدد می‌داند در حالیکه در جست‌وجوی آسیب‌های تجدد در دوره مابعد تجدد این خلأ پر شد. در دیدگاه اول عطف توجه به مسئله دین در مباحثات جهانی شدن نه تنها ارادی نبود، بلکه از دیدگاه گفتمان غالب جهانی شدن، تحمیلی نامیمون نیز بود. زیرا نظریه جهانی شدن ابتدا و در اصل نظریه‌ای برای توضیح پدیده‌های حوزه اقتصاد و در نهایت سیاست بین‌الملل بود و بسط گفتمان جهانی شدن به حوزه فرهنگ و به تبع آن دین و پدیده‌های دینی دشواریهایی را برای جهانی شدن پدید آورده است. و دقیقاً این از آن روست که نظریه مذکور فاقد امکانات و الزامات روش شناختی لازم برای در برگرفتن این حوزه‌های اخیر است.

مشکل نظریه جهانی شدن با فرهنگ در ابهامی است که والرش‌تاین با طرح این سوال که «آیا می‌تواند چیزی همچون فرهنگ جهانی وجود داشته باشد؟» آن را صورت‌بندی کرده است. این ابهام ناشی از تناقضی است که با توجه به درک و تعریف مورد قبول علوم

اجتماعی از فرهنگ در مفهوم فرهنگ جهانی وجود دارد. اگر آنچنان که پذیرفته‌ایم مفهوم فرهنگ ناظر به شیوه‌های خاص زندگی است، چنین مفهومی در بنیاد ماهیتی خاص‌گرایانه دارد. اگر آنچه وجه تمایز این گروه یا آن گروه اجتماعی از سایر گروه‌های اجتماعی است، فرهنگ آنهاست، امری به نام فرهنگ جهانی که به اعتبار وصف جهانی بایستی عام باشد، نه تنها مرزهای واقعی گروه‌ها را درهم می‌ریزد، بلکه مفهوم فرهنگ را نیز دچار تناقض ساخته و آن را بی اعتبار می‌سازد و آنچه بنا به تعریف خاص است منطقاً نمی‌تواند عام و جهانی باشد.

دکتر کچوئیان در باره علت اینکه چرا وارد شدن مسأله فرهنگ در جهانی شدن باعث به هم ریختن معنی و مفهوم آن شد چنین می‌گوید: داخل شدن مسأله فرهنگ به حوزه پدیدارهای مرتبط با جهانی شدن بنیان‌های مفهومی جهانی شدن را به هم ریخت زیرا جهانی شدن در این حوزه دیگر نمی‌توانست به معنای همگونی و هم شکلی و وحدت فرهنگی گرفته شود، همانطور که در اقتصاد و سیاست بین‌الملل چنین حالتی داشت، زیرا وجود پدیده‌های ناهمگون و بلکه معارض با فرهنگ تجدد و غرب در سطح جهان مانع از آن می‌شد. این مسأله نه تنها مفهوم جهانی شدن را مبهم ساخت بلکه معیار و مبنای اساسی آن را نیز زیر سوال برد. (کچوئیان، ۱۳۸۵، ۴۵ و ۴۶)

البته نظر کلی دکتر کچوئیان این است که نظریه نظام جهانی در مورد فرهنگ بطور عام و در مورد دین بطور خاص نکته در خور اعتنایی ندارد. زیرا فرهنگ تکثرگرایی مابعد تجدید، فرهنگ مصرف‌گرایی و فردگرایی مصرفی است و هر دو در تقابل، منطق دین قرار دارد. (کچوئیان، ۱۳۸۵، ۵۸)

دین نیز به عنوان یکی از اساسی‌ترین وجود فرهنگ، چنین مشکلی را برای نظریه جهانی شدن بوجود آورده است. علت غفلت یا بی توجهی نظریه‌های جهانی شدن نسبت به دین را باید در ماهیت دنیا‌گرایانه مفروضات بنیانی علوم اجتماعی جستجو کرد، زیرا نظریه جهانی شدن در آن چارچوب شکل گرفته است. مطابق این بینش، دین را به عنوان مانع و یا عامل منفی در سیاست و زندگی جمعی تصویر کرده‌اند. پس در جایی که شکل